

عید خراسانی

بازخوانی آیین‌های نوروز در خراسان قدیم که این روز‌ها کم و بیش فراموش شده‌اند

ه‌ما سعادتمند
h.saadatmand@shahraranews.ir

اسفند به پهلو افتاده و باید نوشت که باد صبا در کوچه‌ها وزیدن گرفته است. اسناد می گویند، مردم در خراسان قدیم هر سال این روز‌ها را با برگزاری آیین‌هایی به شادی می گذرانده‌اند. آیین‌هایی که مهم‌ترین شاخصه آن جمعی

● **بس است هرجه از غم گفتیم و نوشتیم**
 با اینکه یک سال و اندی از نخستین روزهای همه‌گیر شدن ویروس کرونا گذشته است، هنوز هم در صدر اخبار قرار دارد و همه اتفاق‌های خبرهای ریزودرشت شهری و کشوری را تحت تأثیر خود قرار داده است.

در این میان، فقط کلمات خراسان‌پروانه‌ی مانند «هوشنگ جاوید» است که می‌تواند بر ایمان از بهارهایی بگوید که نفسش روح مسیحا بوده است بر پیکر اهل زمین. گرچه خودش ابتدای کلام می‌گوید: «هر این اوضاع دیگر چه کسی یاد عید است که شما می‌خواهید از آیین‌های کهن خراسان در نوروز بنویسید؟» بعد خیلی سریع حرف را عوض می‌کند و ادامه می‌دهد: «به بگذارد بگویم. بگذارد یا گفتن از نوروز و یادآوری روزگار خوشش، کمی از دغدغه و فشار روحی این ایام بر مردم بکاهیم. بس است هرچه از غم گفتیم و نوشتیم.» و این‌طور روایت می‌کند.

● **پیشواز رفتن برای نوروز**

در باره نوروز ما آیین‌های متفاوت بی‌شماری داشتیم که مهم‌ترین آن‌ها آیین «پیشواز رفتن برای نوروز» است. این پیشواز رفتن با برگزاری جشن سده آغاز می‌شده و تا لحظه تحویل سال ادامه داشته‌ست. مردم ۲۰ روز پیش از اول بهار، جشن سده را با برپایی آتش و حلقه‌زدن دور آن گرمی می‌داشتند. مادر بزرگم از پدر بزرگش شنیده بوده که در نیشابور دوره قاجار، آتش بزرگی بر پسا می‌کردند. وقتی این آتش به خاکستر می‌نشسته‌است، مردم این خاکستر را به‌شکل توتل‌مانندی باز و از وسط گرمای آن عبور می‌کردند و معتقد بودند که این کار سلامتی را به جسم آنان برمی‌گرداند. بعد از این تا هنگامه در کردن توپ نوروزی، اعمالی انجام می‌شده که حکم

پیشواز رفتن را داشته است.

● **گندساز برای نوروز**

یکی از کارهایی که در این ایام انجام می‌شده درست کردن «گگ» بوده است. گگ درواقع گوی یا گلوله‌ای بوده که از پاره‌کردن و بهم‌پیچاندن لباس‌های کهنه درست می‌شده است. به‌قول خراسانی‌ها، مردم آن روز کار لباس‌هایی را که در طول سال استفاده و کهنه کرده‌بودند، «ریش‌ریش» می‌کردند و مثل توبی به‌هم می‌پیچانلند و بعد هم به سیمی می‌بستند، نفت روی آن می‌ریختند، آتشی می‌زدند و به‌سمت آسمان پرتاب می‌کردند یا در هوای چرخانند. مادر بزرگم همیشه این صحنه را با جمله «آسمان پر آتش می‌شد» توصیف می‌کرد.

● **گردش شبانی و گل‌گردانی**

دومین آیین با سوزدن گل‌های بهاری از زیر خاک جلوه پیدا می‌کرده است؛ اسفندماه در خراسان معمولاً زمان آب‌شدن برف و ریح‌ان‌کردن شکوفه‌های بهاری از زیر زمین بوده است. در یکی از آیین‌های پیشواز رفتن برای نوروز، شبانانی که برای چرای دام‌هایشان به کوه و دشت می‌زدند، اگر در مسیر خود با گل‌های نوشگفت‌ای روبه‌رو می‌شدند، آن‌ها را می‌چیدند و دسته می‌کردند و به‌عنوان نوید آمدن بهار به شهر یا روستا می‌بردند و از مردم مزدگانی می‌گرفتند. ایسن آیین تا دهه پیش در شمال و جنوب خراسان مثل قوچان و نیشابور حیات داشته و بعد رو به فراموشی گذاشته است. ناگفته‌نماند که این آیین اکنون در تاجیکستان، که در گذشته بخشی از حوزه خراسان کهن بوده، با عنوان «یایچیچک» هنوز زنده است و اجرامی‌شود. در یایچیچک، کودکان و دختران خردسال گل‌ها را در شهر می‌گردانند و با آوازخوانی به مردم هدیه می‌دهند. این آوازخوانی را نیز تاجیک‌ها «لبیل خوانی» می‌گویند و سرودی با این مضمون هم دارند: «گلان اوردم از اون یایان/ خبرت می‌کنم دهقان/ بته غله به گل گردان/ بهار نو مبارک باد/ گل زردک ثنا می‌گه/ ثنای مصطفی می‌گه/ بهر پهلوسو خدا می‌گه/ بهار نو مبارک باد.» این آیین علاوه بر تاجیکستان در بخش‌هایی از افغانستان نیز اجرا می‌شود.

● **آیین همیاری و محک تازه‌امادها**

یکی دیگر از آیین‌هایی که پیش از نوروز انجام می‌شده، آیین همیاری رفتن بوده است. همیشه بوده‌اند افرادی که در یک روستا، محله یا شهر بدون قوم‌و خویش گذران روزگار می‌کرده و به‌اصطلاح می‌کس بوده‌اند یا به‌دلیل کپه‌ولت سن قادر به انجام امور روزمره خود نبوده‌اند. مردم در خراسان قدیم برای یاری این

مراحل راه‌اندازی مرکز خراسان‌شناسی سرعت می‌گیرد

تلاش برای زنده‌نگهداشتن تاریخ و هویت

ایرنا- ایجاد مرکز خراسان‌شناسی ، که اکنون شامل چند کشور همسایه‌و استان کشور است، در این دانشگاه سرعت می‌گیرد. هدف از ایجاد این مرکز زنده‌نگهداشتن مکتب خراسان بزرگ بیان شده‌است. به گفته رئیس دانشگاه فردوسی مشهد، در آخرین جلسه هیئت امنای دانشگاه هاو موسسات آموزش عالی استان خراسان رضوی در امسال ، مقرر شد با همکاری نهاد ها و سازمان های مردم‌نهاد برای

افراد آیین همیاری برگزار می‌کرداند. در آیین همیاری مردم یک روز را تعیین می‌کردند و به‌صورت دسته‌جمعی به خانه این افراد می‌رفتند و ضمن گردگیری و تمیز کردن خانه، حواچ و نیازهای او را نیز برطرف می‌کردند. آن‌ها غبار از دیوارهای سیاه می‌گرفتند، فرش‌ها را می‌شستند و از آنجا که در گذشته، خراسان بهارهای پربرانی داشته است، عموماً سقف خانه‌ها را تعمیر و به‌هاگل بام‌ها رسیدگی می‌کردند تا در بهار چکه‌نکند. آیین همیاری معمولاً در نقاط مختلف اسامی متفاوتی داشته و در خراسان به آن «پیوار» و «پیوار» هم گفته می‌شده است. همه این آیین‌ها چون به‌صورت دسته‌جمعی به برگزار می‌شده، معمولاً آوازها یا ترانه‌هایی داشته‌است که افراد در هنگام آن را زمزمه می‌کرده‌اند. هم‌اکنون آیین همیاری به‌صورت خیلی کوچک و در حد «باغ‌گردانی» در برخی روستاهای کویری خراسان برگزار می‌شود. باغ‌گردانی درواقع همان بیل‌زدن باغ و زیرورو کردن خاک برای کشت است که با صنعتی شدن کشاورزی تقریباً از بین رفته است. جالب است بدانید که آیین همیاری علاوه بر یاری کردن سالمندان و افراد تنه‌ا، به‌نوعی محک‌زدن تازه‌امادها هم بوده است. از آنجا که این آیین را جوان‌ها انجام می‌دادند، خانواده عروس از نودامادشان می‌خواستند برای برگزاری آیین همیاری افرادی را جمع کند. اینکه اینن تازه‌اماد چند نفر را می‌توانسته است جمع کند و به‌قولی حرفش چقدر خریدار داشته، اسباب محک‌زدن و سنجش اعتبارشار بوده است. ناگفته نماند که نوعی از این همیاری در میان بانوان خراسان با شستن فرش‌ها، خانه‌تکانی خانه‌افراد سالمند و دوختن لباس برای اهل خانه هم باب بوده است.

● **سبزه‌کردن سبزه**

این آیین در طول تاریخ فراموش شده است، اما منابع مکتوب می‌گویند که ایرانیان قدیم در اسفندماه ۱۲ دانه مهم خوراکی را می‌کند و می‌کرداند و در زمان اعتدال بهاری که هوا رو به گرمی می‌رفته است، پای کاخ پادشاه می‌کاشتند آنان در هنگام تحویل سال به‌سراغ دانه‌های کاشته‌شده می‌رفتند و هر کدام را که رشد بهتری داشته است، برای کاشت انبوه در طول سال انتخاب می‌کردند مثلاً اگر عدس و گندم بیشتر رشد کرده‌بود، می‌گفتند اسل سال کاشت عدس و گندم است، مردم این ۲ محصول را بیشتر بکارند. این آیین درواقع نوعی محک‌زدن رشد کشت بوده و اقتصاد و معیشت مردم به آن بستگی داشته است. بعد‌ها این آیین در میان خراسانی‌ها با سبز کردن ۷ دانه خوراکی ماندگار می‌شود. زنان خراسان در زمان سبزه‌کردن ۷ سبزه ذکرها و دعا‌هایی می‌خوانده‌اند که نشان از آیینی ایرانیان و اعتقاد آنان به معنویات دارد.

● **عید مردگان و شاد کردن زندگان**

یکی از مراسم نوروز در خراسان، گرمی‌داشتن «روز مردگان» است که در پنجشنبه آخر سال برگزار می‌شده است. در خراسان به عید مردگان «علفه» می‌گویند، زیرا سبزه بر روی قبور گذاشتن، یکی از سنت‌های خراسانی‌ها در اجرای این رسم پیر سال است. مردم اصیل و شهرنشین مشهد کمتر اما هنوز تویی‌ها، کردهای شمال خراسان، بجورد، شیروان و قوچان این رسم را زنده نگه داشته‌اند. مردم قوچان در گذشته نچندان دور، ۲ شب قبل از عید را عید مردگان و شب بعد را عید زندگان و عید نوروز را نوروز می‌نامیدند. آن‌ها در شب عید مردم‌ها به گورستان‌ها می‌رفتند و از همه آجیل، شیرینی و تنقلاتی که برای سفره عید نوروزی زندگان و قوت آنان فراهم آورده بودند، مقداری را هم بر روی گورها می‌گذاشتند تا ملائان آن‌کوتاه‌دستان هم در ایام نوروز تلخ‌کام و بی‌قوت نمانند. پیداست که آذوقه و شیرینی‌ها بنام مردگان بوده، اما به‌کام نه‌پیدستان می‌فته است تا آنان نیز بتوانند از این قبیل، شیرینی و غذای شب عید خود را فراهم کنند.

● **آتشک‌ها و اعلام تقویم سال**

تا شروع قرن جدید سواد تقویمی به آن شکل که باید در بین جوامع ایرانی رایج نبوده است و فقط افرادی که سواد داشتند تقویم را می‌فهمیدند. این افراد برای اعلام تقویم سال به دیگران، همیشه سال‌شاگردانی را تعلیم می‌دادند تا مناسبت‌های ملی و مذهبی را در طول سال به مردم اعلام کنند. معمولاً مناسبت‌های ملی را جماعت مطرب با راه‌انداختن رقص و سرودادن آواز و مناسبت‌های مذهبی و ایام سوگواری را ملّاها یا روحانیان با



برافراشتن پرچم سیاه و جازدن در کوچه و بازار به مردم اعلام می‌کرده‌اند و چون با آواز یا حرکات نمایشی همراه بوده است، مردم خیلی سریع آن را می‌پذیرفته‌اند. بر همین اساس در هنگام نوروز معمولاً اعلام‌های تقویمی هم بسا رقص و آواز و برگزاری نمایش‌های خیابانی یادآوری می‌شده‌اند. به‌عنوان مثال همیشه افرادی با نام «آتشک‌باز» یا «آتش‌افروز» بوده‌اند که نوروز را اعلام می‌کرده و مردم هم به اندازه وسعشان به آنان پول می‌داده‌اند. آتش‌افروز‌ها که عمرشان به دوره هخامنشیان پهلوی می‌زند، با جامه‌هایی سراسر سرخ به خیابان می‌آمدند، آتش می‌افروختند و با این کار، گرم‌شدن دل زمین را گوشزد می‌کردند. آنان همچنین با ترندهای شعبدهبازی آتش از دهان بیرون می‌دادند یا زغل داغ در کام می‌گذاشتند. آتشک‌بازها ترانه‌هایی مانند این را هم داشتند که می‌خواندند: «آتش‌افروز اومده/ سالی یک روز اومده/ آتش‌افروز صغیرم/ سالی یک روز فقیرم/ روده و پوده اومده/ هر چی نبوده اومده/ آتش‌افروز صغیرم/ سالی یک روز فقیرم.» در کنار این افراد، حاجی فیروز‌ها و عمونوروز‌هایی هم بودند که اولی‌با صورت سیاه و دومی با ریش سفید پیدایشان می‌شد و به رقص و شادی می‌پرداختند. خوب است بدانید که در همه‌نواحی ایران یا عمونوروز بوده است یا حاجی فیروز. فقط در خراسان است که این ۲ هم‌زمان باهم پیدایشان می‌شده است. حاجی فیروز‌ها در طول تاریخ یاد گرفته بودند که اگر اتفاق بدی در سال رخ می‌داده است، برایش ترانه بسازند و هنگام تحویل سال یاری مردم بخوانند و سال خوش را آرزو کنند. به‌عنوان مثال اگر سالی که گذشته بود، مثل همین سال ۹۸ که با سیل شروع شد، با بحران و تورم ادامه پیدا کرد و با بیماری کرونا به پایان رسید، نحس بود و نحوست داشت، برایش شعر می‌ساختند و آرزو می‌کردند دیگر هیچ‌وقت با سال نحس روبه‌رو نشوند. طبق اسناد باقی‌مانده از دوره قاجار، یکی از این ترانه‌ها چنین بوده است: «ای سال برنگردی، ۱۰۰ سال برنگردی/ مر دا روخته کردی، زنا رو سلخته کردی، دکونا رو تخته کردی، ای سال برنگردی، ۱۰۰ سال برنگردی.» همه این‌ها برای این بوده است که مردم از رنج آن سال به شادی برسند و دالی شاد وارد سال جدید شوند.

● **نقارنوازی**

نقارنوازی یکی از آیین‌هایی است که فقط در مشهد دیده می‌شود. خاطرم هست چندین سال پیش در مصاحبه‌ای که با مرحوم قوام‌شکوهی، نقارنواز قدیم حرم، داشتم و او برایم توضیح داد که نقارنوازی در همه دوره‌ها یک‌شکل بوده و فقط تغییر آن در مدت نواختن بوده است. بیشتر زمان نواختن هم به هنگام تحویل سال تعلق داشته که ۱۵ دقیقه بوده است.

● **آوازخوانی بچه‌های خراسانی**

یکی دیگر از رسمی‌که در خراسان بوده است و من در جاهای دیگر کمتر با آن برخورد‌ام، آوازهایی است که بچه‌ها برای نوروز می‌خواندند. متأسفانه از این آواز‌ها فقط دوسه شعر باقی



جنگی فاتحانه برمی‌گشت و سرهای دشمنان را با خود می‌آورد. دنبال این جماعت، انبوهی از مردم متفرقه، بزرگ و خرد، روان بودند و هیاهوی بسیار داشتند. تحقیق کردم گفتند که در ۱۳ روز نوروز یک نفر امیر می‌شود و حکم‌فرمای شهر است. به اعیان و اعزه شهر حواله‌نقدی و جنس می‌دهد و غالب اعیان هم به رغبت و رضا چیزی می‌دادند، زیرا جزو عادات عید نوروز است و به فال نیک می‌گرفتند.

● **آیین نوروزگه و بی‌ریش شدن مردان**

عیدگاه یا نوروزگه گرفتن در خراسان بسیار مهم بوده و به‌نوعی حلقه دوستی و برقراری روابط اقتصادی میان عشایر با مردم یکجانشین بوده است. در آیین عیدگاه که بیشتر بین عشایر خراسان رایج بوده است، آن‌ها حدود ۱۰ تا ۱۳ روز در یک مکان ثابت مانند باغ و مرتع جمع می‌شده‌اند و مرد و زن هر کدام به‌صورت جداگانه به شادی می‌پرداخته‌اند. در این آیین مرد‌ها معمولاً کشتنی می‌گرفته و زن‌ها تاب‌بازی می‌کرده‌اند که به‌اصطلاح به آن «بادخوردن» یا «بادپیچ» می‌گفته‌اند. اگر از نگاه تاریخی به همین رسم ساده‌نگاه کنیم، می‌بینیم که در این میترا، بادنماد زایایی و انرژی‌بخشی است. در دوره میترا اعتقاد بر این بوده است که اگر زنان ناز را بد سوار شوند و باد را به حرکت آورند، زایا می‌شوند. برای همین معمولاً زن‌ها نازا و دختران سوار تاب می‌شده و در باد می‌پیچیده‌اند. جالب اینجاست که مر‌ها و پسر‌ها اجازه ورود به میدانگاه تاب‌بازی زنان را نداشتند و خاطرم هست تا چند دهه گذشته در خراسان اعتقاد بر این بود که پسر‌ها نباید تاب سوار شوند، وگرنه بی‌ریش می‌شوند یا ریش در نمی‌آورد.

● **سبزه‌ده‌برد**

سبزه‌ده‌برد جزو آیین‌هایی است که از دوره قاجار باب شده، وگرنه در گذشته تاریخی ایران به‌ویژه در خراسان که فرهنگ زرتشتیان نفوذ داشته، هیچ روزی نحس اعلام نشده و نسبت‌دادن نحسی روز ۱۳ به زرتشت کار اشتباهی است. در اوستا در آیین زرتشت همه لحظه‌ها مبارک‌اند، اما اینکه مردم خانه‌ها را ترک می‌کنند، ریشه در نوعی آیین زرتشتی کهن دارد. در این آیین مردم در روز سبزه‌دهم اول سال خانه‌هایشان را تمیز و آتشی روشن می‌کردند و بعداً آن خانه را تا غروب آفتاب ترک می‌کرده‌اند. خاطرم هست مادر بزرگم هر سبزه‌ده‌برد پیش از بیرون رفتنم، گردش‌وزی را وسط خانه روشن می‌کرد و می‌فتم بیرون. این گردش‌وز تا غروب روشن بود و بعد خاموش می‌شد. بعدها در مطالعاتم فهمیدم که در آیین زرتشت اعتقاد بر این بوده است که در این روز ارواح به خانه بستگانشان سر می‌زند تا ببینند خانه‌هایشان تمیز است یا آ یا آن‌ها هنوز بر آیین نیاکانشان باقی هستند یا نه. این رسم در خراسان دست‌کم تا ۵۰ سال پیش به‌عنوان یک باور باقی مانده بود، اما حالا تغییر کرده است.

مانده که خیلی جالب است. به‌عنوان مثال در خراسان بچه‌ها وقتی می‌خواستند از بزرگ‌تر‌ها عیدی بگیرند، به این سادگی سراغشان نمی‌رفتند. زیرکی‌هایی داشته‌اند و اهل سخن بوده‌اند. به‌هرحال سرزمین ادیب‌پرور، بچه‌ها را هم شاعر بار آورده بوده است. در یکی از این اشعار، آن‌ها می‌خوانده‌اند که «نوروز سلطان آمده، گل به گلستان آمده، بابا بده نوروزی ام.» و از این طریق عیدی طلب می‌کرده‌اند. این شعر همین‌طور در دیدوبازدید خانه اقوام خوانده می‌شده و فقط جای واژه بابا، کلماتی مثل عمو، عمه، خاله و... می‌نشسته است. گذشته از این‌ها ما در خراسان شاعرانی داشتیم که در وصف نوروز شعرهایی بس زیبا سروده‌اند. مادر میان شاعران اهل سنت خراسان هم می‌بینیم که این‌ها اشعاری درباره نوروز دارند که بسیار زیباییات، مثل

نوروزنامه ملا‌داعلی.

● **میرنوروزی و خلاصی‌از زندان**

در کنار نوروزنامه‌خوانی و نقل‌های نوروزی که بزرگ‌تر‌ها برای بچه‌ها یا سفره هفت‌سین می‌خواندند، در خراسان یک آیین نمایشی بسیار زیبا رایج بوده است که به آن میرنوروزی می‌گفتند. این آیین که متأسفانه فراموش شده است، از سروده‌اند. مادر میان شاعران اهل سنت خراسان هم می‌بینیم که این‌ها اشعاری درباره نوروز دارند که بسیار زیباییات، مثل نوروزنامه ملا‌داعلی.

برگزاری رسم میرنوروزی تا ۷۵ سال پیش آگاهی داریم. علامه محمد قزوینی در خاطراتش از زبان دوستی در خراسان که به شغل طبابت مشغول بوده است، چنین می‌نویسد: «در بهار ۱۳۰۲ برای معالجه بیماری به بجورد رفته بودم. از اول تا ۱۴ فروردین ماه در آنجا بودم. دهم فروردین ماه دیدم جماعت کثیری، سوار و پیاده می‌گذرند که یکی از آن‌ها با لباس فاخر بر اسب رشیدی نشسته و چتری بر سر افراشته بود. جماعتی هم سواره بر جلو و عقب او روان بودند. چند نفر هم چوب‌های بلند در دست داشتند که بر هر چوبی سر حیوانی از قبیل گاو یا گوسفند بود، یعنی استخوان جمجمه حیوان و این رمز آن بود که امیر از

وی با اشاره به طرح‌ها و برنامه‌های کلان این مرکز پس از تأسیس افزود: ایجاد مرکز اسناد کاغذی و دیجیتال در کنار کتابخانه تخصصی کاغذی و دیجیتال، انتشار کتب و مستندات پژوهشی و برگزاری رویداد‌های گوناگون علمی و فرهنگی، ارائه مشاوره به نهاده‌ها و ارگان‌های مختلف درباره نام‌گذاری‌ها، مرمت بنا‌ها و ساخت یادمان‌ها، ایجاد ساختار و محتوای لازم برای رفع نیازهای علمی و تخصصی خراسان‌شناسان و ارتقای مدیریت علمی و ارائه مشاوره به نهاده‌های مربوط برای بهره‌برداری مناسب از اماکن و اوابنه تاریخی خراسان فرهنگی از جمله این طرح‌ها خواهد بود.

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی

روزنامه‌امید
ورزش‌دگی